

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۱ مهر ماه ۱۳۲۳

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - مذاکره راجع بدستور
- ۳ - مذاکره در فوریت لایحه اعتبار وزارت جنگ و ارجاع آن بکمیسیون
- ۴ - مذاکره در لایحه فروش نقره
- ۵ - موقع و دستور جلسه آتی - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۹ مهر ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت جلسه مخالفی نیست ؟
 شهاب فردوسی - اجازه میفرمائید ؟
 رئیس - بفرمائید .

حقوق آنها تقسیم شود در صورتیکه پیشنهاد بنده يك کلمه مستقیم هم داشت و نظر بنده این بود که کمکی که بمعلمین مدارس ملی میشود مستقیماً به نسبت حقوق آنها داده بشود یعنی بمدیر مدرسه ندهند که مدیر مدرسه هر مبلغی که میخواهد خودش بر دارد و هر قدر که میخواهد بمعلمین بدهد پای خودش حساب نکنند است. ما میگویم توجه بفرمائید که اگر در پیشنهاد اختلافی شده اصلاح نمایند که اشتباه نشود .

شهاب فردوسی - بنده در روز نامه اطلاعات دیدم که تبصره پیشنهادی بنده را طور دیگری نوشته بودند و ظاهراً اداره اطلاعات از اداره تند نویسی مجلس گرفته است نوشته است در آنجا که کمکی که از معارف بمدارس ملی میشود به نسبت

* عین مذاکرات مشروح شصت و هشتمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه آقای مختبر فرزند

غائبین بی اجازه - آقایان : تربتی - فرزند - مجتبیائی - خاکباز - ذوالقدر - کفائی - فتوحی - قبادیان - ظهیری - اکبر - معقول کله داری - سرتیپ زاده .

ذیر آمدگان بی اجازه - آقایان : اخوان - نقابت - سنندجی - تولیت - نمازی - صدریه - عدل - دکتر آقایان - تیموری .

رئیس - دیگر نظری نیست؟ (اظهار شد - خیر) صورت جلسه تصویب شد.

[۲ - مذاکره راجع بدستور]

وزیر دارائی - تقاضای فوریت لایحه نقره را کرده بودم
جمعی از نمایندگان - دستور دستور - اعتبار نامه ها مطرح شود.

رئیس - آقای دکتر مصدق شما با دستور مخالف هستید؟
دکتر مصدق - خیر بنده پیشنهادی داده ام و به لایحه نقره مخالفم.

فداکار - بنده با ورود در دستور مخالف اجازه میفرمائید؟
رئیس - بفرمائید.

فداکار - عرض کنم این قوانینی که مورد طرح است و جزو دستور امروز است چندان مهم نیست و ضرب مسکوک هم مهم نیست برای اینکه مطابق اطلاعاتی که رسید الان زمزمه ای است که بعضی از کارخانجات ممکن است تعطیل بشود و یک مذاکراتی میشود که ممکن است بیکاری ما را تهدید بکند و یک میلیون کارگر بیکار بشوند و در مقابل یک وقایعی گیر بکنیم. مقصود عرض این است که مذاکراتی را باید بکنیم که دولت موافقت بکند و تصمیمی اتخاذ بکند که فردا در مقابل یک کار مهم و یک موضوع لاینحل گیر نکنیم. از این جهت بنده با ورود در دستور مخالفم و اجازه میخواهم که چون این کار خیلی مهم است دولت و مجلس برای آن تصمیمی اتخاذ بکند.

رئیس - رأی گرفته میشود به ورود در دستور آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهاد آقای جواد مسعودی:

پیشنهاد میکنم ماده یگانه وزارت دارائی راجع بجمع آوری مازاد غله مطرح بشود.

رئیس - آقای جواد مسعودی.

جواد مسعودی - اگر خاطر آقایان نمایندگان مستحضر باشد در زمان دولت سابق آقای ساعد ماده یگانه برای جمع آوری غله آورده و باندازه ای دولت این ماده

دومرتبه بخوانم (بفرمائید) پیشنهاد میکنم ماده یگانه وزارت دارائی راجع بجمع آوری مازاد غله مطرح شود.

دکتر مصدق - خیر مقصود بنده آن طرحی است که آقای فولادوند پیشنهاد کرده اند آن باید مطرح شود و پیشنهادهائی که در اینجا شد اگر تصویب شد این کار گذشته است و اگر تصویب نشود این کار معلوم نشده است و بالاخره بایستی نتیجه آن معلوم بشود چونکه وقتیکه مازاد و افت را از آنها گرفتند و جریمه را گرفتند زمستان که آمد دیگر تصویب این لایحه موضوعی ندارد.

رئیس - بنابراین باید رأی بگیریم به پیشنهاد آقای مسعودی و بعد هم به پیشنهاد آقای دکتر مصدق.

جمعی از نمایندگان - پیشنهاد آقایان جزو دستور است دیگر احتیاجی برآی ندارد.

مهندس فریور - عرض کنم ما یک طرحی تهیه کرده بودیم که راجع بقانون استخدام مهندسين است این را استدعا میکنم مطرح بفرمائید.

رئیس - پیشنهاد جنابعالی را چون وزیر مسئول نیست نمیشود مطرح کرد.

مهندس فریور - وزیر لازم نیست از هیئت دولت یک وزیر حاضر است یک طرحی ما تهیه کرده ایم که قانون استخدام مهندسين را دولت بعد از یک ماه دو ماه بیاورد این دیگر وزیر مخصوصی لازم ندارد و یک وزیر حاضر است کافی است این بجائی بر نمیخورد آقا.

رئیس - وزیر مسئول هم باید حاضر باشد.
محمد طباطبائی - به پیشنهاد آقای دکتر مصدق هم باید رأی بگیریم.

صفوی - دستور مجلس مطابق آئین نامه قبلاً معلوم شده است و آنجا نوشته شده و در کردور گذاشته شده و بلافاصله باید همان تعقیب بشود.

محمد طباطبائی - این کارها جز ائتلاف وقت مجلس فایده ندارد باید وارد دستور بشویم دستور هر چه هست باید تعقیب بشود
رئیس - عرض کنم در اول دستور همان پیشنهاد آقای

دکتر مصدق بوده است.

محمد طباطبائی - بنده مخالفم اجازه میفرمائید؟ (رئیس -

بفرمائید) اولاً همینطور که فرمودند در واقع این رد شده است (خیر این غیر از آن است) ماده واحده دولت هم راجع بجمع آوری گندم بود و این هم مربوط به همان است آن را رأی گرفتیم مجلس رد کرد و معنی ردش این است که نباید مطرح بشود و از طرف دیگر همان تذکری که آقای صفوی دادند بمقام ریاست این کاملاً صحیح است باید وارد دستور بشویم بدون اینکه توجه بفرمائید به پیشنهادهائی که ممکن است یکساعت وقت این مجلس را بگیرد که چه مطلبی مطرح بشود.

رئیس - حالاً رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر مصدق که در دستور هم همان است.

مهندس فریور - اگر در دستور هست که دیگر رأی نمیخواهد.

رئیس - پیشنهاد ایشان از این قرار است: پیشنهاد میکنم که طرح آقای فولادوند مطرح شود.

رئیس - پیشنهاد ایشان همان است که در دستور است.

دکتر اعتبار - اگر این موضوع در دستور هست باید مطرح شود دیگر رأی نمیخواهد وقتی مطرح نخواهد شد که باید یک کسی پیشنهاد بکند که از دستور خارج بشود ولی حالا که کسی پیشنهاد خروج از دستور نکرده است؟
مظفر زاده - باید مطرح شود.

مهندس فریور - اگر اول دستور این است که مطرح بفرمائید.

[۳ - مذاکره در فوریت لایحه اعتبار وزارت جنگ و ارجاع آن بکمیسیون]

رئیس - یک لایحه اسبق که بر طبق نظامنامه باید تذکر بدهم لویجی که یک فوریتش تقاضا میشود نباید در مجلس مطرح بشود چون در آن جلسه وقت نداشتیم گذاشتیم برای این جلسه بنده تصور میکنم که اول باید فوریت آن فی المجلس مطرح شود چون در آن جلسه وقت نداشتیم افتاد به این جلسه (صحیح است) باید اول آن را رأی بگیریم.

وزیر دارائی - لایحه وزارت جنگ و تفره فوریت دارد
رئیس - ماده واحده قرائت میشود:
 ماده واحده - شماره ارتش ایران در سال جاری ۹۰۰۰۰ نفر خواهد بود. بمنظور تأدیه حداکثر کمک بکارمندان اعتباری بمیزان ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوزارت جنگ اعطاء میشود و برای پرداخت اعتبار نامبرده وزارت دارائی مجاز است مبلغ ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال از بانک ملی ایران وام دریافت دارد.
رئیس - يك نکته را بنده نباید عرض کنم که این لایحه مالی است و اگر يك فوریتش تصویب بشود باید فی المجلس مطرح بشود اگر آقایان موافقت رأی بگیریم و اگر نه بماند برای جلسه بعد.
بعضی از نمایندگان - بماند برای جلسه بعد.
رئیس - آقای امیر تیمور -
امیر تیمور - نظر بنده در این لایحه مربوط به کمک مخرج وزارت جنگ این است که در این موضوع باید مطالعات بیشتری بعمل بیاید و اینطور که بنده لایحه را مزور اجالی کردم و از همان مطالعه اجالی دینم که طرز تنظیمش هم خوب نیست. بنده تقاضا میکنم آقای وزیر دارائی هم موافقت فرمایند که لایحه بیاید بکمیسیون و در کمیسیون مطالعات لازم بعمل بیاید و هر طوری که مقتضی باشد خبرش را بمجلس بدهد الا آن لایحه نه پخته است و اگر مطرح بشود بنده مخالف آن لایحه هستم و رأی نمیدهم.
وزیر دارائی - بنده موافقم.
رئیس - بنابر این این لایحه بموجب تمایل مجلس و آقای وزیر دارائی می رود بکمیسیون
وزیر دارائی - لایحه تفره فوریت دارد.
رئیس - در دستور هم هست بسته بنظر مجلس است.
سنان - پیشنهادی بنده داده بودم مقرون فرمائید بنخوانند.
رئیس - وزیر بهداشتی باید باشند لیکن این قانون مال وزیر است باید وزیر لاحق تقاطع کند.

نقابت - اجازه میفرمائید؟
رئیس - شما مخالفید؟
نقابت - خیر بنده با طرح لایحه و فوریت آن موافقم
رئیس - بفرمائید
نقابت - عرض کنم بنده با تقاضای آقای وزیر دارائی موافقم و دلیل موافقتم این است که اولاً آئین نامه مجلس است که وزیر که فوریت يك لایحه ای را تقاضا می کند باید مطرح بشود منتها گفته میشود که با فوریت مخالفیم پس قبلاً باید فوریت لایحه تفره مطرح باشد آقای مهندس فریور مخالف با فوریت این لایحه بودند ولی بنده بعنوان موافق با این لایحه عرض میکنم و دلیل این است که وزیر دارائی مسئول امور مالی کشور است اعلام میکند در مجلس شورای ملی و میگوید که برای فروش يك تاعی مشتری دارد که اگر تأخیر بشود از بین می رود ضرری متوجه مملکت میشود و این موضوع مورد توجه همه آقایان است و از لحاظ مطالعه این لایحه بکمیسیون رفته است و بعلاوه طبع و توزیع شده است و از طرف دیگر جزو دستور است و اگر پیشنهادات یا مذاکرات دیگری شده است که مانع طرح این لایحه است نباید انصراف حاصل بشود. باین جهت چون بنا به اعلام آقای وزیر دارائی تأخیر آن متضمن ضرر برای کشور است بنده موافقم که مطرح بشود.
رئیس - چندین نفر از آقایان اجازه خواسته اند.
محمد طباطبائی - يك اشتباهی شده است اجازه بفرمائید که بنده عرض کنم (رئیس - بفرمائید) لایحه ای که آقای وزیر دارائی دادند در جلسه گذشته راجع به پیشیز است این مطلب که مطرح است این مورد ندارد فوریت آن عرض کنم جزو دستور است و يك عده هم در آن ورقه موافق و مخالف اسم نوشته اند و جزو دستور هم هست و آمده اند خواهش میکنند که مطرح بشود.
رئیس - کمیسیون هم گزارش داده است گزارش کمیسیون مطرح است بنابر این مخالفی نیست طرح کنیم؟ (صحیح است) ماده واحده قرائت میشود:
ماده واحده در لایحه فروش تفره
ماده واحده - هیئت نظارت اندوخته اسکناس بانک ملی ایران نزد فدرال رزرو بانک نیویورک (بانک مرکزی) امانت گذارده میشود بشرح قانونی تفره در تهران یا شهرستانها تحویل بانک ملی ایران تا بانک نامبرده بتواند تفره را بمصرف مسكوك جدید و یا فروش در داخله و خارجه برساند.
 تبصره ۱ - تا زمانیکه طلائی که بموجب این قانون در خارجه خریداری شده کلاً و جزئاً در خارجه موجود میباشد آنچه طلا برای بانک ملی ایران از خارجه وارد میشود بابت طلاهای مزبور محسوب خواهد شد.
 تبصره ۲ - کلیه مخارج ضروری برای حمل طلا از خارجه به تهران در موقع انتقال بعهده بانک ملی ایران است.
کاظمی - آقای وزیر دارائی تقاضای فوریت نسبت باین موضوع بکنده اند.
دکتر اشعار - لایحه ای است رفته بکمیسیون و حالا آمده دیگر فوریت لازم ندارد
وزیر دارائی - بنده تقاضای يك فوریت میکنم
کاظمی - این لایحه رفته است بکمیسیون و گزارش کمیسیون آمده است به مجلس چون تقاضای فوریتش شده است اول باید مجلس اظهار نظر بکند و بعد مطرح بشود چون اگر نسبت بفوریتش رأی داده شود جریان اجرایش فرق میکند.
رئیس - بنده نمیدانم تقاضای فوریت بعد از اینکه کمیسیون گزارش داد میشود کرد یا خیر؟
بعضی از نمایندگان - وقتی مجلس قبول کند مانعی ندارد
وزیر دارائی - بنده اشکالی نمی بینم اگر آقایان اشکالی نمیفرمایند تقاضای فوریت میشود.
رئیس - فوریت مطرح است. آقای فداکار مخالفید؟
فداکار - بلی بنده مخالفم. عرض کنم که بقفیده بنده فروش تفره امانی مردم و چیزی را که مردم ده ریال تفره داده اند و يك قبض يك تومانی گرفته اند و حالا میخواهند این کار را بدست مجلس انجام بدهند بقفیده بنده خیانت به مملکت است این کار را میخواهند بدست مجلس انجام بدهند و فردا برای مردم حساب تراشی بکنند این مسئله مسئله

حیاتی مملکت است سابقاً عملیاتی کرده اند خطائی کرده اند و این مسکوکات امانی مردم را فروخته اند و حالا که میخواهند این بقیه نقره را هم بمجمله بفروشند باید توجه کرد باین لایحه که مربوط باین پولهای امانی مردم است و باین سهل و سادگی و فوری نمیشود رأی داد باید این لایحه در کمیسیون مطرح شود و بعد از آن بیاید به مجلس و بنده جداً با فوریتش و با اصل فروشش مخالفم و چون مضارش زیاد است باید دقت کاملی بشود.

رئیس - آقای کاظمی

مصطفی کاظمی - همکار محترم آقای فداکار فکرهاشان فکر عجیبی است که هر کس غیر از فکرایشان فکری بکنند میگویند خائن است این يك اصلی است که بآن چنان چنان اصلی نمیشود همکاری کرد بنده از کسانی هستم که شدیداً و قویاً با فروش نقره موافقم و برخلاف عقیده ایشان عقیده ام این است که هر کس مخالف باشد خائن است و دلایلش را هم عرض میکنم. این را آقایان باید بدانند اگر مجلس شورای ملی این معامله را نخواهد حالا تصویب کند و قبول نکند شخصی که مشتری این نقره است میخواهد برود و نمیتواند بیش از سه ماه انتظار بکشد و بعلاوه باید دانست که آن محلی که این نقره را میخواهد بخرد اگر طول بکشد و اوضاع تغییر بکند از جای دیگر به نصف قیمت نقره را خواهد خرید و دیگر از ما نمیخرد (امینی - اینطور نیست) ممکن است بعد آقا تشریف بیاورید و توضیح بدهید که اینطور نیست ما هم مخلص آقا هستیم اگر دلایل آقا صحیح بود تسلیم میشویم. و فعلاً بنظر بنده تصویب این لایحه يك امر ضروریست و الان سه ماه هم هست که این لایحه آمده است به مجلس و در کمیسیون دارائی هم کاملاً درش بحث شده است و در جلسه خصوصی هم توضیحات لازم بعرض آقایان رسیده است و متجاوز از یکماه ونیم است که طبع شده است این است که بنده با فوریت آن کاملاً موافقم و تقاضا میکنم مطرح شود.

رئیس - اگر آقایان اجازه میفرمایند رأی بگیریم

میکنم توضیحش لازم است و هر و کیلی که بخواید رأی بدهد باید این موضوع را بداند و در این لایحه نوشته نشده است بنده در موقعی که از طرف فرا کمیونها در مجلس شورایی کمیسیونی معین شد و با حضور آقای بیات وزیر مشاور سابق و آقای فروهر وزیر دارائی سابق و مدیر کل بانک ملی بنده هم حضور داشتم مدیر کل بانک توضیح داد که ما هزار تن نقره موجود داریم از این هزار تن نقره چهارصد تن آنرا میخواهیم در داخله ایران بیا سکه بزیم یا بطور شمش بفروشیم و ششصد تن بقیه را میخواهیم بدولت هندوستان بفروشیم آنچه که مربوط بداخله مملکت است البته ما حرفی نداریم پس اجازه که وزارت دارائی از مجلس شورای ملی میخواهد اجازه صدور و فروش ششصد تن نقره موجود در بانک ملی است بنده لازم است بعرض آقایان نمایندگان برسانم که در دو سال قبل دولت ایران موفق شد از دولت هندوستان مقدار صد و بیست تن نقره خریداری کند آنوقت چون بنده افتخار کمیسیون ارز را داشتم میدانستم که این يك موفقیتی بود برای دولت ما و ما از مصمم قلب حقیقه نمون دولت هندوستان بودیم که چنین مساعدتی بمان کرد ما ۱۲۰ تن نقره را بمبلغ ششصد و هفتاد و دو هزار لیره خریداری کردیم آنچه که بنده از مدیر کل بانک پرسیدم گفتند که میخواهند با قیمت بهتری بفروشند بنا بر این اگر همین مظنه ششصد و هفتاد و دو هزار لیره را در صد و بیست تن بگیریم پنج برابر این مبلغ میشود بعبارت آخری سه میلیون و نیم لیره شیف رند که حساب کنیم سه میلیون و نیم لیره قیمت این نقره میشود که از ما اجازه میخواهند بفروش برسانند نرخ لیره الان صد و سی ریال است بنا بر این قیمت سه میلیون و نیم لیره از قرار هر لیره صد و سی ریال در حدود چهارصد و پنجاه میلیون ریال میشود و بعبارت ساده تری نود کرور تومان میشود بنا بر این آقایان نمایندگان محترمی که حالا باین لایحه میخواهند رأی بدهند بيك معامله نود کرور تومانی رأی میدهند پس ارزش دارد که در مجلس شورای ملی چند ساعت بلکه چند جلسه نسبت باین موضوع صحبت کنیم و بحث کنیم این است که استدعا

میکنم مطالبی که بنده عرض میکنم آقایان دقت فرمایند اگر تصدیق فرمودند که فروش این نود کرور تومان نقره با این ترتیب بضرر مملکت است رأی ندهند یا لاقلاً موافقت نکنند که پیشنهادات بر گردد بکمیسیون دارائی و در این خصوص بررسی بشود. بنده وقتیکه حساب کردم و دیدم که این معامله نود کرور تومانست يك تأثیر خاطر فوق العاده ای برای بنده ایجاد شد و حالا اجازه میخواهم علت آنرا عرض کنم شاید آقایان هم در این خصوص با بنده شرکت داشته باشند علتش يك اعلامی است که چند نوبت در یکی از روزنامه های مهم دیدم که منتشر شده است اجازه بفرمائید دو سطر اول آن را چون ربط پیدا میکند با این موضوع بخوانم آگهی از طرف بنکگاه کارپردازی کل کشور است باین ترتیب: بنکگاه کارپردازی کل کشور مقداری خرده شیشه موجوده در مرکز تقطیر کل رسومات را از طریق مزایده بفروش میرساند خریداران میتوانند با پرداخت مبلغ دو هزار ریال سپرده الی آخر شما ملاحظه بفرمائید اگر قیمت خرده شیشه های رسومات راده برابر این دو هزار ریال بگیریم میشود بیست هزار ریال یعنی دو هزار تومان ملاحظه بفرمائید برای دو هزار تومان فروش خرده شیشه سه نوبت در جرائد مهم مملکت اعلان مزایده میشود که ضرری به مملکت وارد نیاید آنوقت نود کرور تومان نقره را ما میخواهیم بفروشیم آیا وزارت دارائی فکر نمیکرد که در این جایك کلمه مزایده گذارده شود که شاید خریداران متعددی در دنیا بدست بیاورد این مطلب واقعاً اسباب تأثیر بنده شد. عرض کنم نقره و طلا دو تا فلز قیمتی هستند که وقتیکه به صورت مسکوک در آمد قیمتش همان است که رویش نوشته شده است ده تا يك ریالی مساوی يك تومان است ولی وقتی که به صورت شمش در آمد و در بانک انبار شد و شما اسکناس بردید و در عوض بشما نقره ندادند بيك مال التجاره است بيك متاعی است در تمام روزنامه های خارجه ملاحظه بفرمائید بيك ستون مخصوص قیمت عمده فروش مال التجاره است نوشته است آهن این مبلغ پنبه این مبلغ تریاك این مبلغ و منجمله نقره و طلا که در تمام بازارهای دنیا خریدار دارد فروشنده

دارد البته به نسبتی که عرضه میشود قیمتش ممکن است فرق کند پس بنابراین آیا ما که بود کرد تو مان نقره را میخواهیم بفروشیم نمیشد پانصد تومان خرج کنیم و در نیویورک اعلان کنیم در بمبئی در لندن در قاهره اعلان کنیم که ما میخواهیم دو هزار هزار نقره را بفروشیم طالبین در ظرف مدت دو روز یا دو ماه پیشنهادات خودشان را بدهند ممکن بود یک دولتی پیشنهاد میداد که حاضر است آنرا با دلار بخرد که بعد از جنگ مورد احتیاج ما است ممکن بود یک دولتی یک کمپانی و شرکتی پیشنهاد میداد که حاضر است در عوض آن قماش بما بدهد و ما آن قماش را بیاوریم در داخله مملکت خودمان بفروشیم که هم احتیاجات مملکت را رفع کنیم و هم مقدار زیادی اسکناسهای موجوده را از جریان خارج کنیم رعایت مزایده در این قسمت نکردند و برای فروش خرده شیشه رسومات رعایت کردن این تبعیض است و ما عقیده داریم که وزیر دارائی نسبت به تمام قضایا قانون مجلسات عمومی را باید در نظر بگیرند و ایشان که حافظ دارائی دولت هستند خیلی ممنون میشوم جواب این قسمت از عرض بنده را بعد بفرمایند که علت اینکه اسم مزایده در اینجا برده نشده است چیست البته مطلب اصلی بنده این بود که وقتی این لایحه مطرح شود کافی بود که بنده یک پیشنهادی تقدیم کنم که آقا این نقره بصورت مزایده فروخته شود قانون محاسبات عمومی هم پیش بینی کرده بود و هیچکس نمیتوانست این را قبول نکند ولی نکته اصلی مطلب بنده این بود که بعداً بعضی آقایان میسائیم ولی مقدمه یک مطلبی است که باید عرض کنم که برای مجلس شورای ملی و بنده نماینده که در اینجا با این لایحه مخالفت میکنم سوء تفاهم تولید نشود و آن این است که ما با دولت هندوستان همسایه هستیم دولت و دوست هستیم و دوست هم خواهیم بود شاید آقایان و کلای کرمان تصدیق بفرمایند که قسمت مهم صادرات حنای کرمان به هندوستان است در صفحاتی که در مجلس است نظر بخردند آنرا خشناس که محصول مهمی است هندوستان است و ما از هندوستان نقد میخریم پارچه میخریم همه جور و روابط تجاری داریم بنا بر این اگر بنده

یک اظهاراتی میکنم که این معامله نقره صحیح نیست نباید سوء تفاهمی تولید کند ممکن است دو برابر صمیمی هم که از یک پدر و مادر هستند در یک ملکی با هم معامله کنند پول بگیرند و پول بدهند محض بروند این مانعی ندارد بنابر این خواستم عرض کنم که این مطلب نباید سوء تفاهمی تولید کند اما چرا بنده با اصل این لایحه مخالفم علتش این است که حالا بعضی آقایان میسائیم و چون موضوع یک موضوع فنی است استدعا میکنم آقایان یک قدری توجه بفرمایند در حال حال حاضر ما دو نوع ارز داریم ارز لیره و وابسته بلیره و ارز دلار و وابسته به دلار البته همه آقایان می دانند ارز چه چیز است ولسی برای این که مطالب متناقض نباشد اجازه می خواهم یک کلمه توضیح دهم که معلوم شود ارز چیست ارز پول خارجی است یعنی اگر شما یک تومان اسکناس ایران جیبتان گذاشتید رفتید در بازار طهران و یک ساعت خریدید از لحاظ اینکه شما این پول را در بازار ایران خرج کرده اید پول است ولی از نظر امریکائی ارزش حساب میشود معکوس هم همینطور است امریکائی در داخله خودش برای رفع حوائجش دلار خرج میکند ولی در نظر ما اینها دلار ارز است اما راجع بارز لیره و وابسته بلیره و ارز دلار و وابسته به دلار این جهت اینها را لیره و وابسته بلیره میگویند برای اینکه قابل تبدیل بیکدیگر هستند و در حال حاضر اینها عبارتند از روپیه که در هندوستان رواج است دینار عراق و لیره مصری و لیره انگلیسی که در انگلستان رواج است اگر شما در لندن هزار لیره داشته باشید و از طهران تلگراف کنید برای خرید چای این پول را به بمبئی برات کنید عصر آن روز شما تلگراف میکنید که شما سیزده هزار روپیه در بمبئی پول دارید این را ارز وابسته بلیره میگویند و یکی دیگر دلار است و پولهای وابسته به دلار است و فعلاً ارز لیره قابل تبدیل بدلاز نیست ولی دلار قابل تبدیل بلیره هست مثلاً اگر شما هزار لیره در لندن داشته باشید و تلگراف کنید به بانک که این پول در آنجا هست که چون قرز ندان در آمریکا است و محتاج به پول است این لیره را با آمریکائی

عصر آن روز تلگراف بشما میرسد که متأسفانه برای ما مقدور نیست چرا؟ برای اینکه لیره قابل تبدیل به دلار نیست ولی اگر شما چهار هزار دلار در آمریکا داشته باشید بمحض اینکه تلگراف کنید که این را برای پسرم باندن بفرستید فوراً بشما اطلاع خواهند داد که به بانک فلان حواله کرده ایم بگیرید حالا این ششصد تن نقره ای را که ما میخواهیم بفروشیم بدولت هندوستان میفروشیم دولت هندوستان پولش روپیه است و جزء گروه استرلینگ است بنابر این طلائی که ما میخواهیم بخریم از دولت آمریکا باید به دلار بخریم و با این ترتیب از فروش این ششصد تن نقره ما بهیچوجه قادر نیستیم طلا از آمریکا بخریم پس نتیجه این کار چطور میشود و در این خصوص بنده باید توضیح بدهم ما وقتی که امروز سه میلیون و نیم لیره نقره میفروشیم عصر آن روز ما تلگراف میکنیم که موجودی شما در بانکهای لندن شد مثلاً پانزده میلیون و نیم لیره البته ارز یک چیزی است که یک وقتی فوق العاده مورد احتیاج است یک وقت است که مورد احتیاج نیست که باید انسان ازش گریزان باشد بنده در موقعی که بر نامه دولت مطرح بود عرض کردم و تشبیه کردم ارز را به یک لیوان آب شما یک وقت یک تشنه ای را در یک صحرائی بایک لیوان نجات میدهید ولی وقتی این لیوان آب استخری شد و انسان درش افتاد البته تشنگیش رفع میشود ولی بعد میکشدش بنابر این در کیفیت آب فرق نکرده و کمیتش فرق کرده است بنابر این هیچ دولتی نیست و نبوده است که با اصطلاح فنی موازنه ارزی را مراقب نباشد ما بموجب قراردادی که با متفقین در دوره سیزدهم بستیم برای احتیاجات ضروری آنها همیشه یک مقداری اسکناس بیرون میدهم و در مقابل آن اسکناس آنها در لندن بحساب ما لیره میگذازند بنده از موجودی لیره خودمان اطلاع ندارم و نمیدانم موجودی لیره ما در انگلستان چقدر است کافی است بدانیم که هفت میلیارد و دو بیست میلیون ریال ما اسکناس در جریان داریم در صورتیکه در شهریور ۱۳۲۰ فقط یک قدری بیشتر از یک میلیارد ریال در جریان داشتیم پس این افزایش اسکناس در نتیجه خرید

زیاد لیره ماست که در لندن است و معلوم میشود که وضعیت ارزی ما فعلاً خوب است یعنی مقدار زیادی ارز در خارج موجود داریم یک وقت یک سیاست اقتصادی در مملکت اتخاذ کرده بودیم که ایران را صنعتی بکنیم و قانون انحصار ارز را آوردیم و موضوع کلای در چه سه را درست کردیم موضوع جائزه تصدیق صدور را درست کردیم و این اواخر حساب ایجاد کردیم تمام این تدابیر (نمیخواهم زیاد وقت آقایان را بگیرم) برای این بود که موجودی ارزیمان زیاد بشود برای اینکه میخواستیم از انگلستان یا از آمریکا یک احتیاجات زیادی را بایران بیاریم ولی حالا موجودی ارزی ما بقدری زیاد شده است که موضوع همان استخر شده است و باید یک سطلی یک چیزی بدست بیاریم که با آن آب آن استخر را بریزیم بیرون که ما را خفه نکند آنوقت در یک چنین موقعی از پشتمانه اسکناسمان بیائیم سه میلیون و نیم لیره کم کنیم که کمرمان زیر این بار خرد شود در لایحه دولت که آورده است نوشته است ولی در صورتی که در تابلوی سرسرا آویزان کرده اند مینویسد که لایحه تبدیل نقره بطلا و این عبارت درست نیست این لایحه از دست دادن نقره است چون این نقره ما جزء گروه استرلینگ میشود و ما آنها استفاده که میتوانیم از ارزهای خودمان بکنیم از یک مشت دلار است که بمناسبت مخارج قشون آمریکا که در ایران هستند در آمریکا ذخیره داریم ما الآن این دلاری که در آمریکا داریم میتوانیم هر نوع کلای که بخواهیم بخریم رادیو بخریم دوا بخریم هر چیز دیگر که میخواهیم بخریم فعلاً ما احتیاجی به ارز نداریم و این قانون هم بنظر بنده لازم نیست چون با فروش این نقره بدولت هندوستان ما قادر نیستیم این طلا را بخریم و اگر بخواهیم طلائی بخریم از موجودی دلارهای مورد احتیاجمان است این است که قطعاً بنظر بنده هیچ صلاح نیست این کار بشود و این معامله صحیح نیست حالا مطالب زیادی بود که میخواستم عرض کنم ولی بخاطر ندارم یکی دو تایش را به اختصار عرض میکنم در شهریور ۱۳۲۰ موجودی نقره در مملکت هزار و ششصد تن بود در صورتیکه ما فقط یک میلیارد

ریال اسکناس در جریان داشتیم (نراقی - يك ميليارد و هشتصد هزار ریال) جنبه مالی ممکن است بعد تشریف بیاورید جواب بفرمائید (نراقی - رقم نباید غلط ثبت شود) در ذهن بنده رقم قطعی او نمانده است. امروز باید موجودی نقره ما بهمان تناسبی که اسکناس در دست مردم بیشتر است لااقل باید بیشتر شده باشد فعلاً هفت برابر آن وقت اسکناس در دست مردم است ولی موجودی نقره ما يك ثلث هم پائین آمده است و این مقداری را هم که داریم میخوانیم و فروشیم و بنده دیشب که حساب کردم دیدم اگر این مقدار اسکناس که بانك ملی ایران در جریان گذاشته است و در دست مردم است این ها را بیاورند به کیشه بانك عرضه کنند و تقاضا کنند که در این اسکناس ما نوشته است ده ریال در مقابل هر يك ریال يك مثقال نقره بما بدهید دیدم چهل هزار تن نقره باید در خزانه ما موجود باشد که بتوانند جواب مردم را بدهند اگر الان که ما هزار تن نقره داریم و میخواهیم ششصد تن آن را بفروشیم و چهار صد تن باقی میماند بخواهیم در مقابل این اسکناسها بدهیم در مقابل هر صد تن نقره يك تن نقره داریم) البته این يك عملی است که هیچوقت مردم نخواهند کرد و وزارت دارائی هم موافقت نخواهد کرد (ولی يك مسئله هست در امور اقتصادی که آن را اثر روحی افه پیسیکولوژیک میگویند و در بعضی از امور اقتصادی دلیل و برهان آنقدرها تأثیر ندارد و این اثر روحی میبینید تمام عوامل را از بین میبرد در مجلس شورای ملی در دوره سیزدهم خاطر آقایان هست که لایحه آمد که پانصد میلیون ریال اسکناس از بانك ملی ایران خارج کنند و بجهت بگذارند هنوز این لایحه بمجلس نیامده بود و هنوز در مجلس شورای ملی تصویب نشده بود و از صبحه ملوکانه نگنشته بود و هنوز از صندوق و خزانه های بانك آن اسکناس بیرون نیامده بود که اجناس صدی بیست و پنج در بازار قیمتش بالا رفت که هر چه ما کوشش میکنیم پائین بیاوریم مقدور نمیشود چرا این طور شد این اثر روحی و افه پیسیکولوژیک. این امر است شما الان دو هزار خروار نقره نان را میخواهید در کاهبون

بگذارید و از مرز ایران خارج کنید و در مقابلش مطابق این لایحه که در روزنامه ها نوشته میشود از موجودی دلارنان از امریکا طلا بخرید و زیر ففل بانك ملی بگذارید و بایران هم بیاورید آیا این اثر روحی خوبی خواهد داشت؟ برای بنده مسلم است که تصویب این قانون خدای نکرده صدی بیست و پنج ارزش اسکناس ما را پائین میآورد حالا اگر عوامل دیگری باشد که آن عوامل زندگی را بیاورد پائین و ارزش اسکناس را ببرد بالا از قبیل صلح از قبیل ورود مال التجاره های زیاد آن يك عوامل دیگری است و مسلماً وقتی که چشم انسان دید که نقره خزانه اش رفت بیرون و جایش چیزی نیست این اثر روحی خودش را میکند. بنده مطلبی را که بعرض رساندم آنچه برای خود بنده مسلم بود که قابل قبول و پذیرش است عرض کردم ولی فکر میکردم که نمایندگان محترمی هستند که همه صالح و همه علاقمند به مملکت خودشان هستند پیش خودشان فکر میکنند که بکنفر و کیل آمد مخالفت کرد ولی دلیل اینکه آقای وزیر دارائی و مدیر کل بانك ما موافقت که يك چنین کاری بشود بهمان دلیل که آنها موافقت و این مخالف است بهتر این است که نظر دولت خودمان را که بآن رأی اعتماد دادیم آنرا بپذیریم و فلان کس را که يك نظری دارد و ممکن است راه کجی برود بپذیریم ولی نظر بنده متکی بیک مرکز صلاحیت داری است که صلاحیت آنرا خود آقایان تصدیق دارند چنانچه آقایان عرایض بنده را تصدیق ندارند ممکن است با مراجعه بآن مرکز صلاحیت دار عرایض بنده را تأیید کنند. دیگر برای آقایان تردیدی باقی نمیماند بنده از آقای نخست وزیر و از آقای وزیر دارائی سابق که این لایحه را امضاء کرده اند و بمجلس فرستاده اند نمیتوانم ایرادی بگیرم برای اینکه در ۲۵ تیر ۱۳۲۳ این لایحه بمجلس تقدیم شده است و این مطلبی را که من حالا بعرض آقایان میرسانم مربوط بتاریخ بیست و هشتم تیر است یعنی سه روز بعدش است بنابر این از این عرضی که بنده میگویم دولت قطعاً اطلاعی نداشته و اگر اطلاع داشت البته این لایحه بمجلس

نیامد البته خیلی این مطلب مختصر است ولیکن در تفسیر آن اجازه میدهم که چند کلمه عرض کنم که مطلب روشن شود چون در موقعی که جنگ در پیش هست اگر يك خبری را آژانس پارس یا سایر خبرگزاری ها خبری میدهند خیلی مختصر خواهد بود ولی از مختصر میشود به مفصل پی برد (استخراج از روزنامه اطلاعات مورخه سه شنبه ۲۷ تیر ماه ۱۳۲۳ صفحه ۲ ستون ۴ از خبرگزاری پارس: کمیته انجمن پولی بین المللی (ملاحظه میفرمائید بین المللی نه امریکائی تنها) کمیته انجمن بین المللی که مأمور بررسی مسئله نقره است همین موضوعی که مورد احتیاج ما هست ضمن يك اعلامیه اهمیت این فلز را تصدیق نموده است ضمناً در يك اعلامیه تصدیق کرده است همین فلز ناچیزی را که بفرویش آقای وزیر دارائی اگر بفروشیم مشتری از دست میرود) مینویسد کمیته انجمن پولی بین المللی که مأمور بررسی نقره است ضمن يك مأموریتی اهمیت این فلز را تصدیق نموده است. بنظر بنده حالا که ما میخوانیم نود کرور تومان نقره را بفروشیم این حقیقه بسیار مهم است که انجمن بین المللی امریکا که از تمام عالم تشکیل شده است او يك کمیته فرعی معین می کند که موضوع نقره را بررسی کند و این کمیته فرعی پس از انجام يك مأموریتی يك اعلامیه منتشر میکند و اهمیت نقره را تصدیق میکند ما که میخوانیم نود کرور نقره مان را بدهیم آیا عقل سلیم بما حکم نمیکند که از متن این اعلامیه با خبر باشیم به بینم این دلائلی که این کمیته بین المللی تصدیق کرده است اهمیت نقره را این دلائل چه بوده است و البته این دلائل کمیته فرعی بین المللی متکی بیک مدار کی است که يك هیئتی که در امریکا مأمور بررسی مسئله نقره میشود مسلماً بتمام سوابق و جواب و اطراف آن نگاه می کند و آنوقت يك اعلامیه داده است و ضمن این اعلامیه اهمیت این فلز را تصدیق کرده است حالا بنده گمان می کنم که حتی باید این لایحه دوشوری باشد برای اینکه بعقیده بنده موافق مصلحت مملکت است ما که میخوانیم نود کرور تومان نقره خودمان را از دست بدهیم پانصد تومان

خرج يك تلگراف می کنیم به امریکا که آقایان آن اعلامیه کمیته فرعی انجمن بین المللی که اهمیت نقره را بدلیلی تصدیق کرده برای ما بفرستید این را ما در مجلس شورای ملی ترجمه میکنیم طبع میکنیم توزیع میکنیم تمام آقایان نمایندگان مستحضر میشوند. اگر این دلائل که آنها را قانع کرده ما را هم قانع کرد دلیل ندارد که ما نقره خودمان را از دست بدهیم مگر سیم سفید یا سیب سرخ برای دست چلاق بد است پس ما هم نقره مان را نگاه میداریم و لازم نیست بفروشیم ممکن است در دریا بریزیم و اما بنده خیلی متأسفم که ما در همین تاریخ ۲۷ تیر ماه که این اعلامیه در امریکا منتشر شده است ما نماینده داشتیم در آنجا آن نماینده که از امریکا برگشت آقای وزیر دارائی بشما عرض کرد که این اعلامیه که در امریکا منتشر شده است و آن کمیته فرعی تصدیق کرده است اهمیت نقره را اگر اطلاعی دارید بیائید بمابگوئید به بینم این اعلامیه چیست و متکی بچه مدار کی است اگر همچو چیزی نیست که تکذیب کنید و الا بنده که جعل نمیکم تأسف بنده از این است که نماینده که ما با خون جگر می فرستیم او وقتی که بر میگردد ما را مطلع نمی کند و در يك جای لایحه دولت هم اسمی نمیدرد در صورتی که مطابق قانون محاسبات عمومی نمی شود بالاخره وقتی که يك کمیته فرعی در امریکا تشکیل میشود و تصدیق میکند که این فلز قابل اهمیت است افلاً نماینده ما نمی آید بمابگوید که ما با چشم باز رأی بدهیم بنا بر این بنده خیلی معذرت می خواهم اگر عرایض من طول کشید (بعضی از نمایندگان - بفرمائید آقا) چون موضوع نود کرور تومان است و جا دارد که ما چند ساعت و چند جلسه وقت خودمان را صرف کنیم شاید يك مطالبی گفته شود که قانع کننده باشد ولی برای خود بنده این مطلب که يك کمیته در امریکا تشکیل شده است که اهمیت نقره را تصدیق کرده است قانع کننده است و پیش خودم فکر می کردم که چطور ممکن است که ما در يك همچو موقعی بیائیم و این کار را بکنیم بنابر این بنده خواهش می کنم و پیشنهاد می کنم و آقای وزیر دارائی

هم موافقت بفرمایند که از آقای مدیر کل بانک که برگشته اند سؤال شود که این راپرت اگر در چمدان شان مانده است و فراموش کرده اند بیاورند و بما بدهند بخوانیم و اگر هم نیست دو کلمه تلگراف بکنند به نیویورک و از نماینده خودمان سؤال کنند فرضاً هزار تومان هم پول این تلگراف بشود اهمیتی ندارد آنوقت ما دلائلی را که آن انجمن ذکر کرده است و آنها را قانع کرده است به اینکه اهمیت نقره را تصدیق کرده اند مطالعه می کنیم اگر قانع شدیم که صرف نظر می کنیم و الا بدون جهت مایائیم و نقره خودمان را از دست بدهیم این کار خوبی نیست در خاتمه بنده خیلی عذر می خواهم از اینکه زیاد صحبت کردم و پیشنهادی هم در این خصوص بمقام ریاست تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - عرض میکنم بنده در آنجا اسم نوشته بودم ولی چون آقای نراقی در این قسمت واردتر هستند نوبه خودم را به ایشان واگذار میکنم.

نراقی - آقای اردلان در این قسمت يك اطلاعات و سوابقی را ذکر کردند که سه ماه این موضوع در جریان بوده و تحقیقاتی هم در این خصوص کرده اند اما بنده با کمال تأسف باید عرض کنم که اطلاعاتی که ایشان فرمودند مقرون بصحت نبود ممکن است که این اطلاعات اسباب تشویش روحی مردم بشود که با این پول میخواهند زندگی کنند پول مملکت ما عجاله معتبر است و پشتوانه هم به اندازه کافی دارد و هر وقت هم ضرورت پیدا کند و زندگی بحال عادی برگردد به سهولت میشود اسکناسهای زیادی را جمع آوری کرد و اینکه در مجلس شورای ملی گاهی حمله به اسکناس میشود و اساسش را سست معرفی میکنند این موجب خسارت و زحمت همه مردم این مملکت میشود بخصوص طبقه سوم و چهارم که مزدور هستند باید سنجیده و فهمیده صحبت کردند نه روی اصول منفی بافی و اشکال تراشی چون با حیات مملکت بستگی دارد وقتی که گفته شد که ما برایگان میخواهیم پول مان را از دست بدهیم این اسباب تزلزل پول

ما میشود و در خارج تنزل میکنند خواهش میکنم فرمایشات شما هم از روی احساسات نباشد از روی ارقام و دلیل باشد که تأثیر سوئی نداشته باشد (اردلان) - بنده از روی دلیل صحبت کردم) و تأثیر سوئی در زندگی عمومی نداشته باشد این يك مسئله نظری است کسی نمیتواند بگوید که این کار فایده دارد حتماً یا ضرر دارد و نمیتواند بگوید که قطعاً فروش نقره بهتر است یا اینکه نفروشیم بهتر است و هیچ تاجری هم نمیتواند بگوید اما متخصصین فن و عقلا و آگاهی که از ما بیناتر و بصیرتر هستند تشخیص دادند که اگر این نقره که بعنوان پشتوانه است فروخته شود و بجایش طلا گذارد شود این به نفع کشور است برای اینکه ذهن آقایان متوجه شود بنده سابقه اش را عرض میکنم مکرر در این مجلس شورای ملی صحبت شده است که آیا پشتوانه ما نقره باشد بهتر است یا طلا باشد بالاخره مجلس شورای ملی در دوره سیزدهم تصمیم گرفت به اینکه نقره ها را باید فروخت و پشتوانه يك جا و يك کاسه طلا شود قانونی هم طبق این نظر از مجلس شورای ملی گذشت و بموقع اجرا گذارده شد چون عده معتقدند که روز بروز ارزش نقره در بازار دنیا کاسته میشود و طلاً بصورت پشتوانه و مبنای داد و ستد دنیا قرار خواهد گرفت از این جهت هر مملکتی که نقره داشته است سعی داشته است که تبدیل کند به طلا و از این جهت است که از مدتی قبل نقره بتدریج دارد قیمتش تنزل پیدا میکند. عرض کردم در دهم مهر ۱۳۲۲ قانونی از مجلس گذشت و به هیئت نظارت اندوخته اسکناس اجازه داده شد که نقره های پشتوانه را بفروشند و بجایش طلا بخرند و در خزانه بانک ملی طهران حفظ کنند این را هم عرض کنم که موجودی نقره در آن موقع هزار و ششصد تن نقره استاندارد بود و بموجب آن قانون و بموجب آن اجازه که بهیئت نظارت داده شده بود مقداری فروخته شد که (حالا از قماش را و عدش را بنده عرض میکنم) و بجایش هم طلا خریده شده که زیر کلید هیئت نظارت موجود است و هر يك از آقایان تشریف بیاورند ملاحظه خواهند فرمود اما این عمل با کندی

انجام گرفت که نقره را ما این جا بدهیم و بجایش طلا بگیریم و بعلاوه با خرج و کرایه و بیمه گرانی که در ضمن جنک بان تعلق میگیرد این عمل هم اسباب طول مدتش میشد و هم مشکل بود و از طرف دیگر استشمام میشد که جنک دارد پایان پیدا میکند و بواسطه این است که آن کسی که حاضر شده است از ما نقره را بخرد به قیمتی که حالا حاضر شده است شاید بعدها حاضر نباشد حالا علتش را عرض میکنم که چرا دولت هندوستان حاضر شده است که دو برابر قیمت رسمی بازار دنیا از ما نقره مان را بخرد مرکز فروش نقره در دنیا بورس لندن است که همه روزه قیمت نقره را اعلان میکند با قیمتی که الان بورس لندن اعلان میکند او دو برابر میخرد (بعضی از نمایندگان - چرا؟) عرض میکنم برای اشکالاتی که در حمل و نقل هست (ایرج اسکندری - حالا که اشکالی در حمل و نقل نیست) سه ماه قبل این قرارداد را بسته اند و قیمتی را که در آنجا دارد قیمتی است که در آن محیط است نه برای بازار هندوستان چون حمل و نقل مشکل است دریاها امن نیست دولت هندوستان حاضر شده است موجودی نقره ایران را بیشتر بخرد چون همسایه نزدیک است و از خطر غرق شدن مصون است و البته اگر جنک پایان پیدا کند و این مخاطرات از بین برود دولت هندوستان از بازار عمومی دنیا از بازار لندن خریداری خواهد کرد و کاملاً بی نیاز خواهد شد اینک گفته شد که دولت هندوستان ممکن است ما را فریب بدهد اینطور نیست دو سال قبل همین دولت هندوستان بما نقره فروخت و صد و بیست تن نقره ما از آنها خریدیم همان روپیه های نقره را بعد از چندی با منفعت زیادی پس گرفت مقصود این است که وضعیت داخله هندوستان طوری است که فعلاً احتیاج به نقره دارد و دسترسی هم به بازار نقره ندارند و حاضر شده اند که از ما نقره مان را بیک قیمت بیشتری بخرند حالا برای اینکه ذهن بیشتر متوجه شود بنده گزارش آنرا اجمالاً ارقام و سابقه مقرون کرده ام که بعضی آقایان می رسانم چون رجحان طلا بر نقره برای پشتوانه بودن معلوم شده پس از مدتها بحث و مطالعه

در دهم مهر ۳۲ قانونی از مجلس گذشت که اجازه تبدیل نقره پشتوانه را بطلا بهیئت نظارت اندوخته اسکناس واگذار کرد و طبق آن قانون تا کنون ۵۹۶ تن و ۲۱۲ کیلوگرم نقره استاندارد فروخته شده و بجای آن شش تن و ۶۷۱ کیلوگرم طلای خالص در تهران تحویل شده و زیر کلید هیئت نظارت موجود است طبق قانون جدید هم در نظر است ششصد تن نقره خالص بهندوستان فروخته شود و بجای آن طلا خریداری شده در بانک مرکزی امریکای شمالی به امانت سپرده شود نرخ معامله عبارتست از (بهای يك کیلوگرم طلای خالص مساوی ۳۶/۴۸۱ ریال سی و شش ریال و چهل و هشت دینار و بهای يك گرم نقره استاندارد مساوی ۴۰۸ ریال یا چهارصد و هشت هزارم ریال) تا کنون طبق قانون نامبرده ۵۹۹ تن و ۲۱۲ کیلوگرم نقره استاندارد فروخته شده و بجای آن ۶ تن و ۶۷۱ کیلوگرم طلای خالص خریداری شده است که این طلا در خزانه بانک ملی زیر کلید هیئت نظارت موجود است طبق قانون جدید که مطرح است بانک ملی در نظر دارد ششصد تن نقره خالص بهندوستان بفروشد بهای رسمی فعلی لندن هر کیلوگرم نقره استاندارد سه لیره و دو شلینگ و یازده پنس و نیم است که از قرار هر لیره ۲۲۸ ریال برابر چهار صد و دو ریال و نود و سه دینار میشود (نقره استاندارد بهیارج ۹۲۵ در هزار میباشد) معامله جدید با هندوستان با وزن معمول هندی و بهای آن با روپیه انجام می شود که چون روپیه را بر ریال تبدیل کنیم میشود هر يك کیلوگرم نقره استاندارد به ۴۳۰/۷۹۵ ریال هفتصد و نود و پنج ریال و چهل و سه دینار یعنی فعلاً هندوستان در حدود دو برابر بهای رسمی نقره در لندن حاضر شده نقره ایران را بخر دو مسلم است اگر راه تجارت باز شود و خطری و اشکالی درین نباشد دولت هند حاضر نخواهد شد باین قیمت گزاف نقره موجود ایران را خریداری کند موجودی فعلی نقره پشتوانه یک هزار و دو اوزده تن و ۲۱۵ کیلوگرم نقره استاندارد برابر ۹۳۶ تن و ۲۹۹ کیلوگرم نقره خالص میباشد که چون ششصد تن نقره خالص فروخته شود باز هم اندوخته نقره ما ۳۳۶ تن و ۲۹۵ کیلوگرم

میلیون دلار امریکائی و ۱۰۱۲ تن نقره استاندارد و ۱۰۲ تن طلای خالص و مقدار اسکناس منتشر شده ۷۲۰ میلیون تومان است و قیمت تمام این پشتوانه قریب ششصد میلیون تومان میباشد کم بودش هم طلب ما از دولت صد و چهل میلیون تومان است که در مقابل وثیقه و امانت دولت جواهرات سلطنتی است یعنی دولت صد و چهل میلیون تومان مقروض است و در مقابل جواهرات سلطنتی وثیقه آن است که بطوریکه آقایان ملاحظه فرموده اند بیش از چندین صد میلیون تومان ارزش دارد.

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است (صیحیح است)
 دکتر اعتبار - پیشنهاد ختم جلسه را بنده کرده ام اجازه میفرمائید توضیح بدهم.

رئیس - بفرمائید.

دکتر اعتبار - بنده این پیشنهاد را کردم برای این که موضوع مهمی است و اظهاراتی که آقایان میفرمایند بایستی بیشتر توجه نموده و در اطرافش مطالعه کرد فعلاً هم که وقت گذشته و آقایان هم خسته هستند بنا بر این خوبست آقایان موافقت بفرمایند که جلسه ختم شود و مطالعه بیشتری بکنیم (صحیح است)

رئیس - بنا بر این جلسه را ختم میکنیم و اجازه ها هم محفوظ می ماند جلسه آینده روز شنبه دستور انتخاب هیئت رئیسه.

[مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد صادق طباطبائی.

خواهد بود و این مقدار نقره برای ضرب ۳۵۰ میلیون ریال مسکوک نقره فعلی کافی است غیر از مسکوک که تا بحال سکه شده است (اردلان - کم است آقا) ضرابخانه ما که ضرابخانه بسیار بزرگی است که در مشرق زمین نظیر ندارد که از حیث عظمت و ماشین آلات این مقدار نقره را در ظرف پنجسال میتواند ضرب کند ضرابخانه ما مسکوک جدید را روزی سی هزار تومان میتواند ضرب کند بنابراین این ۳۳۶ تن را وقتی که مسلسل و متوالیاً کار بکنند در ظرف پنج سال کار میکنند. در سال گذشته بانک ملی ایران بهمان ترتیبی که عرض شد پانصد تن نقره به هندوستان فروخت که از این فروش ۱۵۶ میلیون ریال سود عایدش شد و جمعاً از فروش نقره چه در داخل و چه در خارج کشور در سال گذشته ۱۷۱ میلیون و ۲۶۲ هزار ریال سود عاید بانک ملی گردیده است و سودی که پیش بینی می شود از فروش ششصد تن نقره خالص به هندوستان عاید گردد بالغ بر دو بست و چهل میلیون میباشد هزینه بیمه و انتقال با هوایما چهار درصد و با کشتی هفت درصد است ممکن است آقایان بفرمایند چرا با هوایما که ارزانتر است نیاید بری اینکه همیشه هوایما نیست گاهی پیدا میشود و گاهی هم نمیشود اما کشتی مرتباً هست اگر هوایما باشد چهار درصد میگیرد ولی آنچه که تا بحال برای ایران وارد شده است با هوایما بوده است ولی کشتی مرتب تر است و هفت درصد میگیرد فعلاً موجودی پشتوانه اسکناس ۱۰۲ تن طلای خالص و ۱۰۱۲ تن نقره استاندارد و ۲۸ میلیون دلار امریکائی و سه میلیون و هشتصد و یازده هزار لیره انگلیسی میباشد (ایرج اسکندری - لیره انگلیسی چقدر؟) عرض کردم (۳۸۱۱۰۰۰) لیره انگلیسی و ۲۸